

ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم
بنیاد پژوهش‌های اسلامی

آن گودلوسکا Anne / Godlewska
از: کوئینز یونیورسیتی، کینیگستون، کانادا

پیشگامان جغرافیای نوین: مهندس - جغرافیدانها^۱

جغرافیای جغرافیدانهای حجره‌نشین در اوایل قرن نوزدهم، جغرافیایی است که در غبار سنتها گم شده. این جغرافیا که محدود به نقشه‌کشی عالمانه در حجره و توصیفات کیهانی بیش از پیش جدا افتاده از معضلات ملموس فیزیکی است، نمی‌توانست بخوبی پاسخگوی علایق و نیازهای زمان خود باشد. نیازهای فوری، ساخت نقشه‌هایی که قادر باشند در جنگی که ناپلئون به راه انداخته خدمت کنند را طلب می‌کردند. علایق و نیازهای درازمدت دولت و جامعه، اکتشاف انسان و مقام او را نه تنها در طبیعت، بلکه در جامعه نیز ایجاب می‌کرد. بویژه لازم بود حقوق، وظایف و روابط، تحلیل و میان فرد و دولت مرعی شوند. از آن جا که جغرافیدانهای حجره‌نشین چندان مفید نبودند و تمایلی به شرکت در درگیریهای زمان نداشتند و تعدادشان کم بود، اثر وجودی آنها در این دوره ناچیز است. اما در حالی که این جغرافیدانها در انتخاب میان جغرافیای عالمانه و جغرافیا به عنوان یک علم اجتماعی جدید در تردید به سر می‌بردند، صدها مهندس جغرافیدان همت گماشتند تا هم نیازهای فوری حکومت را برآورند و هم کنجکاویهی اجتماعی زمان را ارضاء کنند. از این روست

۱ - پاسکال والونگ، «نظری اجمالی بر نظامهای زمین‌شناسی و زبان توپوگرافیک» در نشریه «منوریهال مرکز عملیات جنگ» که به دستور وزیر در سالهای ۱۸۰۳، ۱۸۰۵، ۱۸۱۰ چاپ شده (پاریس. ش. پیکر ۱۸۳۱) ۲: ۱۵۳

که به تهیه نقشه‌هایی که اساس شناخت نوین اروپا و بسیاری از نواحی مستعمره یا ماوراء اروپا را تشکیل می‌دهند و نیز نوشتن دست‌کم صدها رساله گوناگون پرداختند. در کارهای اوایل قرن نوزدهم آنها، جغرافیای دیگری می‌یابیم که دیگر فقط توصیفی نیست بلکه براساس تحقیقات در محل نهاده شده و بیشتر به افکار فلاسفه و ایدئولوگها وابسته است تا جغرافیای سنتی.

جغرافیای مهندس - جغرافیدانها: هدف آن

هدف اصلی این جغرافیا به صورتی بسیار کلی، انجام یک سنتز فضایی است: درک هرچه کاملتر محل و شناختی عمیق که انسان را قادر سازد آن‌چه را هنوز شناخته نشده به حدس دریابد!

در سطحی مشخصتر این جغرافیا نخست جغرافیایی است قابل استفاده و نظامی که باید به ژنرالها برای تصمیم‌گیری یاری دهد. و این بدان معنی نیست که برای آنها تعیین تکلیف کند بلکه همه عناصر مربوط به محل را در اختیار قرار دهد تا ژنرال بتواند به سرعت نیروهای در اختیار خود را در محلی کلیدی از نظر استراتژی یک جمع کند.^۲ در عبارت «نیروهای در اختیار خود» مراد نه تنها افسران، سربازان و سلاحهای آنهاست بلکه زمین، مردم ناحیه، منابع موجود (بوژه آن‌چه که اضافه بر نیازهای مردم محل است)، استحکامات، نهادها و برخورد آنها با مسأله جنگ، اقتدار محلی، حکومت، نظامیها و جزاینها نیز مورد نظر است.^۳ اما این جغرافیا فقط جغرافیای نظامی است. می‌بینیم که این مهندسان و رؤسای آنها بر این نکته تأکید دارند که کارهای آنها با همه آن که در زمان جنگ یا بر اثر فشار ارتش توسعه می‌یابد اما برای تجارت، صنایع ملی، پیشرفت علم آمار و توسعه جامعه فرانسه در معنایی کلی ترمفید افتاده است.^۴ با توجه به برداشت آنها از سرچشمه‌های قدرت نظامی،

۲- لاورن «نظراتی پیرامون اثری به نام روح نظام جنگ مدرن که از آلمانی ترجمه شده» در هموریال مرکز عملیات جنگ ۱۸۰۲-۱۸۰۳ (پاریس ش. پیکر ۱۸۲۹) ۱: ۱۸۹ و آ. پاریگو «نبرد لونن علیه ارتش امپراطوری تحت فرمان پرنس شارل دولورن که پادشاه پروس روز ۵ دسامبر ۱۷۵۷ در آن پیروز شد» همان، ۱۹۰-۲۱۱

۳- لاورن، «نظراتی پیرامون اثری به نام روح نظام جنگ مدرن که از آلمانی ترجمه شده» در هموریال مرکز عملیات جنگ ۱۸۰۲-۱۸۰۳ (پاریس ش. پیکر ۱۸۲۹) ۱: ۱۸۱-۸۹.

۴- الکساندر برتیه، گزارش وزیر جنگ به کنسولهای جمهوری پیرامون کارهای مرکز کل عملیات جنگ طی سال (۱۸۰۲)، هموریال مرکز عملیات جنگ ۱: ۲۱۳. والونگ، تذکر، همان ۱: ۲۳۱

بر این عقیده اند که قلمروهای نظامی و غیر نظامی از یکدیگر غیر قابل تفکیکند. این جغرافیدانها طی دوره کوتاه جنگ می‌کوشند با شناخت محل، خطرات ناشی از جنگ را کاهش دهند اما در عین حال از طریق نقشه فرانسه به امر اکتشاف و شناخت کارهای دلا مبر و مشن پیرامون نصف النهارات و حدود املاک علاقه نشان می‌دهند.^۵ به عقیده آنها یک کار خوب جغرافیایی می‌تواند هم برای نظامیان و هم غیر نظامیان مفید افتد و آنچه این دو قلمرو را به هم پیوند می‌دهد همانا قدرت، درستی، انسجام، قابل درک بودن و وسعت کارهای آنهاست.

این وجه قابل استفاده بودن جغرافیا می‌تواند از لحاظ معنوی یک محدودیت به شمار آید اما چنین پنداری نادرست است زیرا دقیقاً همین وجه است که به جغرافیا شکل و قدرت می‌بخشد. در زمانی که مالتوبرن آگاه می‌شود که در جزئیات غرق شده و ابعاد بنیادی و ساختاری جغرافیا (بوژه جغرافیای انسانی) را از نظر دور داشته، این مفید بودن است که چون یک اصل جاذبه و دافعه در جغرافیای مهندس-جغرافیدانها عمل می‌کند.^۶ فی المثل تمامی جزئیات دنیای دهقان مورد توجه نظامیها نیست. آنها فقط عناصری را که فکر می‌کنند می‌تواند نقشی در روابط میان دولت (که غالباً اما نه همیشه، نظامیها نمایندند آن هستند) و جامعه محلی ایفا کند بر می‌گزینند. به این ترتیب به مهندس-جغرافیدانها توصیه می‌شود از جزئیات بی فایده صرف نظر کنند و از سبک رمانهای «جهانگردان احساساتی» که همه چیز را توصیف می‌کنند، اما کمی از آنها را درک می‌کنند، دوری گزینند.^۷ همین خط هدایت کننده است که کارهای آنان را چنین جالب توجه و گاه هیجان انگیز می‌کند زیرا کاری می‌کنند که احساس می‌کنیم در میان دهقانان و جامعه‌ای که توصیف شده زندگی می‌کنیم. و چه تضادی میان نوشته‌های آنها و توصیفهای چنین ملال انگیز

۵ - نامه ژنرال سانسون به ژنرال ماتپودوما، مشاور دولت، روز ۲۵ پره ریال سال ۱۱ (۱۴ ژوئن ۱۸۰۳). دستنوشته آرشیوهای جنگ، اداره تاریخی ارتش زمینی، ونسن ۱۹۷۸. در خصوص مخالفت با تجدید سازمان مرکز عملیات جنگ سانسون می‌نویسد: «با این اعضا امید تهنه فهرست املاک فرانسه وجود ندارد...»

۶ - به این ترتیب شوالیه آلان به مهندسان توصیه می‌کند از جزئیات بی فایده صرف نظر کنند. برآورد آنچه از میان نظام سیاسی، مالی، قضایی و اداری یک کشور (پیرامون جمعیت، طبقاتی که این جمعیت را تشکیل می‌دهند، درباره آداب و رسوم خانگی، اجتماعی و سیاسی که آن را متمایز می‌سازند...) مفید تواند بود برعهده مهندس است و این جزئی از حرفه اوست. شوالیه آلان، رساله‌ای پیرامون آگاهیهای نظامی، نشریه موروال ۱: ۵۱۲-۵۱۳ پانوش ۱
۷ - آنون، «ملاحظات درباره جنگل سیاه و تیرول، روزنامه مرکز عملیات جنگ ۲: ۱۹۳.

جغرافیدانهای عمومی عصر!

این دلمشغولی مفید بودن [تحقیقات]، مهندس- جغرافیدانها را بر آن داشته که «زبان جغرافیایی» را که شامل اصطلاحات نقشه کشی طبیعی و انسانی و جغرافیای طبیعی توصیفی است، به طور دقیق معلوم دارند.^۸ چنین می نماید که آنها خواسته اند این فرهنگ لغات را به جغرافیای انسانی نیز تسری دهند، اما متأسفانه این مهم در جریان دوره ای که مورد نظر ماست تحقق نیافته است. همچنین در تاریخ نقشه برداری که **لویی سولاوی**- که یک مهندس، جغرافیدان است- نوشته، بر مفید بودن نقشه هایی که توصیف کرده تأکید می کند و بنابراین بر روابط میان این نقشه ها و جوامعی که به آنها بستگی دارند اصرار می ورزد.^۹ در این راستا، این معرفی شوق انگیزتر از ارائه ای است که در همین زمان از سوی یک جغرافیدان حجره نشین (باریبه دوبوکاز) تدوین شده و تنها به شرح حوادث برجسته در تاریخ نقشه برداری اکتفا کرده است.^{۱۰}

متابعت مهندس- جغرافیدانها از مکتب اصالت فایده مغایر روحیه علمی بسیار پیشرفته نیست. در این عصر زمین شناسی به چشم یک ریشه علمی بسیار مهم و قابل بحث نگریسته شد. اما تمایل بر ملاحظات نظری بدون حزم و احتیاط نیز در آن دیده می شود. این امر واکنشی را میان بعضی از جغرافیدانهای حجره نشین برانگیخته: آنها علیه کمک گرفتن از فرضیه و نظریه و حتی علیه توضیح مطالب شورش کرده اند، کاری که در جغرافیا جز توصیف رویدادهایی که نسبتاً خوب معرفی شده اند چیزی باقی نمی گذارد.^{۱۱} به عکس، **پاسکال والونگ**، یکی از رهبران مهندس- جغرافیدانها، مسأله را عمیقتر بررسی کرده و به

۸- از این دو نمونه بسیار روشن وجود دارد: در کوششی که کمیسیون سال ۱۸۰۲ در جهت یک شکل کردن زبان کارتوگرافیک معمول داشته، و در دلمشغولی والونگ در قبال «زبان جغرافیایی» نگاه کنید: گزارش کنفرانسهای مأمور... تکامل توپوگرافی... رساله ای پیرامون مقیاسهای گرافیک. توضیح رنگها و علائم قراردادی. تذکر درباره حروف و ارتفاع نوشته ها برای پلاناها و نقشه های توپوگرافیک و جغرافیایی. نظری اجمالی بر نظامهای زمین شناسی و زبان توپوگرافیک، مموریال مرکز عملیات جنگ شماره ۲: ۳۹، ۴۷-۹۸، ۹۹-۱۰۲، ۱۰۳-۱۲۴، ۱۵۵-۱۵۶.

۹- سولاوی، یادداشتی درباره توپوگرافی ملاحظه شده نزد مثل مختلف اروپا، قبل و بعد از نقشه فرانسه، از سوی کاسینی و متعاقب آن کاتالوگی از بهترین نقشه ها، **مموریال مرکز عملیات جنگ** شماره ۱: ۲۶۶-۳۱۲

۱۰- باریبه دوبوکاز، تذکر تاریخی و تحلیلی پیرامون ساختمان نقشه های جغرافیایی، **مموریال مرکز عملیات جنگ**

۱۱- نگاه کنید: آن. **گودلوسکا** «آنچه در جغرافیا به شکست می انجامد: مورد یک جغرافیدان فرانسوی اوایل قرن:

مهندسان اعلام داشته که میان بررسیهای نظری و نظریه تفاوت وجود دارد. او می‌گوید بررسیهای نظری زاده ناشکیباییهای معنوی در مقابل زمین صامت است، اما نظامهای مشابه با نظام بواش سعی در برقراری نظم و انسجام دارند. این جستجو نمی‌تواند مفید باشد اگر با مشاهدات همراه نباشد. تردیدی نیست که مشاهدات در نهایت می‌توانند یک تئوری را واژگون کنند، اما حتی یک تئوری که بخشی از آن نادرست باشد می‌تواند درک و انسجامی به ارمغان آرد که از خود واقعیات بر نمی‌آید. به این طریق است که به قول والونگ در مقابل نظامیان باسواد «افق به کمک انوار تئوری، روشن و بازمی‌شود و توهمات نظری به کمک مشاهدات قطع می‌شوند».^{۱۲} او به مهندستها توصیه می‌کند با نظامهای زمین‌شناسی و نظامهای جغرافیای طبیعی آشنا شوند. او فهم و قدرت پیشگویی آنان را در خصوص وضع حاضر زمین ستایش می‌کند، اما توصیه می‌کند که بررسی نظری در مورد مسایل نهایی را به فلاسفه و علمای شناخته شده‌ای چون پالاس، هومبولت و رامون واگذارند.^{۱۳} در این باب آلان، دیگر همکار نظامی، که متون بسیاری برای کمک به تربیت مهندسان نوشته، به او می‌پیوندد: او از تئوری انتظار دارد که توپوگرافی را نه تنها از اختیاری بودن بل از قید تجربه‌گرایی رها سازد.^{۱۴}

به این ترتیب هدف جغرافیای مهندس-جغرافیدانها و دپوی جنگ (مرکز عملیات) یک ترکیب فضایی به دست آمده از طریق مطالعه کتاب و برپایه تئوری است که به شناسایی کامل محل و منابع آن، اعم از طبیعی و انسانی، رهنمون می‌شود.

آیا جغرافیای مهندس-جغرافیدانها دارای روشهایی است؟

روش‌شناسی جغرافیایی در چندین نوبت در نشریه تقریباً سالانه «دپوی جنگ» توصیف شده: مموریال که از سال ۱۸۰۲ تا ۱۸۱۰ در ۷ شماره تحت عنوان مموریال توپوگرافیک و نظامی منتشر شد و پس از سال ۱۸۲۵ با نام مموریال دپوی جنگ تجدید چاپ و ادامه یافت. این نشریه می‌تواند به دهها دلیل بیانگر نظرات مهندس-جغرافیدانها

۱۲- والونگ، نظری اجمالی بر نظامهای زمین‌شناسی و زبان توپوگرافیک، مموریال مرکز عملیات جنگ ۲: ۱۵۰

۱۳- والونگ، نظری اجمالی بر سیستمهای... همان ۲: ۱۴۲ و ۱۴۸

۱۴- آلان، رساله‌ای پیرامون آگاهیهای نظامی، مموریال مرکز عملیات جنگ ۱: ۴۷۰ و ۴۸۸، آلان، رساله‌ای

درباره مقیاسهای گرافیک همان ۲: ۹۸

به شمار آید: طی این دوره مهندس- جغرافیدانها در «دپوی جنگ» زیر فرامین مستقیم رییس دپو قرار دارند؛ روشن است که ناشران **مموریال** با رشته جغرافیا هم آواز شده اند.^{۱۵} مهندس- جغرافیدانها خود را جغرافیدان می نامند اما بویژه خود را وقف جغرافیای توپوگرافی یا کارتوگرافی کرده اند و این تمی است که بر نشریه **مموریال** حاکم است.^{۱۶} و منتشر کنندگان آن مایلند آن را کنترل و در انحصار خود در آورند.^{۱۷} بسیاری از مقالات تقریباً به طور انحصاری به مهندس- جغرافیدانها اختصاص یافته.^{۱۸} در کارهای کمیسیون که **مموریال** گزارش می کند، مهندس- جغرافیدانها به چشم نمایندگان دپو نگریسته می شوند. و سرانجام به هنگام تأسیس یک مدرسه جغرافیا برای مهندس- جغرافیدانها در سال ۱۸۰۲، **مموریال** به عنوان یکی از دو متن اساسی انتخاب شده است.^{۱۹}

بزم **مموریال** یک جغرافیای خوب باید بر اساس تحقیق در آرشیوها، کارهای میدانی و بررسی در محل نهاده شده باشد. چرا که زندگی، هنر کارهای ممکن است بویژه در هنگامه جنگ. برای آن که کارهای میدانی بیهوده بار و وظایف مهندسان را سنگین نکند، به آنان توصیه شده با تحقیق در آرشیوها کار را آغاز کنند. در واقع چندین مهندس به نواحی مورد توجه دولت سفرهای دور و دراز و طولانی کرده اند: آنها برای یافتن همه گونه اسناد جغرافیایی از آرشیوها، به این مناطق رفته اند و حتی به دانشمندان و تجار نیز مراجعه

۱۵- آنها، فی المثل «بولتن جامعه جغرافیدانهای پاریس» را به عنوان «یکی از بهترین نشریات ادواری» خود معرفی کرده اند: در مقدمه **مموریال** مرکز عملیات جنگ (پاریس ۱۸۳۱) ۲، ۱۰.

۱۶- پاتریس پرت، مرکز کل عملیات جنگ و تربیت علمی مهندس- جغرافیدانهای نظامی فرانسه (۱۷۸۹-۱۸۱۵)،

هجدهمین کنگره بین المللی تاریخ علوم، هامبورگ، اوت ۱۹۸۹.

۱۷- مرکز عملیات مدعی است سازمانی است که به همراه روزنامه [مموریال] خود می تواند و باید به کوشش توپوگرافهای همه ادارات و از جمله ابعاد تاریخی و انتقادی توپوگرافی هماهنگی بخشد. نیز مدعی است که گزارشگر صورتمجالس کنفرانسهای کمیسیون مأمور از سوی ادارات عمومی مختلف است که برآند تا توپوگرافی را اعتلا بخشند و علایم و قراردادهای معمول در نقشه ها، پلانها و نقش توپوگرافیک را ساده و یک شکل کنند: روزنامه **مموریال** شماره ۲: ۳۷-۳۸. نیز نگاه کنید به نامه ژنرال سانسون به ژنرال ماتیودوما، مشاور دولتی مورخ ۲۵/پره ریال/سال ۱۱ (۱۸۰۳). دستنوشته های آرشیوهای جنگ ۱۹۷۸، اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن.

۱۸- فی المثل این مورد و مقاله **با کلردالب**، تذکری درباره گراوور توپوگرافیک و جغرافیایی، **مموریال**

شماره ۲: ۱۲۷-۱۴۰.

۱۹- قواعد عمومی آموزشی برای مدرسه سلطنتی مهندس- جغرافیدانها، ۱۳۰ کتبر ۱۸۰۹، دستنوشته های آرشیوهای

جنگ، **مموریال** ۱۹۷۸، اداره تاریخی ارتش زمینی، ونسن

کرده‌اند.^{۲۰} اما مهندس- جغرافیدانها حتی پس از تحقیقاتی که راه به سرچشمه‌های این اسناد می‌برد، به ندرت به چنین منابعی اعتماد می‌کنند. از نظر مهندس- جغرافیدانها و رؤسای آنها، اساس روش آنها بر تحقیقات میدانی استوار است. و این مطمئناً به معنای ملاحظه و اندازه‌گیری تمام عناصری است که در چشم‌انداز جغرافیایی مفید یا مهم پنداشته می‌شوند. اما برای انجام این مهم، مهندس به چیز دیگری سوی تخته کار، پرگار و غیره نیاز دارد. اطلاعاتی که او در محل جستجو می‌کند به سادگی در دسترس او قرار نمی‌گیرند. فی‌المثل اگر بخواهد نوسانات آبدی یک رودخانه را به حسب قدرت و فرکانس بارانها بشناسد، باید که بستر رودخانه و زمینهای اطراف آن را بررسی کند. آیا پلهای ویرانی وجود دارند؟ می‌توان حدس زد به چه دلیل خراب شده‌اند؟^{۲۱} به همین روش و اگر بخواهند دریابند چرا جمعیت یک محل اخیراً کاهش یافته باید به بررسی نحوه استفاده از فضا بنشینند. آیا خانه‌ها و مزارعی که ترک شده باشند وجود دارد؟^{۲۲} آیا عدم تعادلی میان جمعیت مردان و زنان دیده می‌شود و یا تمایلی بر ازدواجهای زودرس یا دیر هنگام وجود دارد؟ اگر مهندس- جغرافیدان بخواهد امکانات تولید حداکثر را محاسبه کند، بر اوست که ماهیت خاک را بررسی کند، بنمید آیا مزارع خوب آبیاری شده‌اند یا نه، تعداد و وضعیت انبارها و اصطبلها را برآورد کند و فهرستی از نوع ابزار به کار گرفته شده و نحوه نگهداری از مزارع تهیه کند.^{۲۳} اما برای پاسخگویی به تمامی این سؤالات تنها چشمها، دستها و ذکاوت او کفایت نمی‌کنند. از نظر بعضیها، لازم است از افراد محل سؤال شود. برای تحقق این کار یک سلسله دستورالعملهایی از سوی «دیو» پیشنهاد شده است. باید از مقامات محلی شروع

۲۰- به این ترتیب سولادی به هنگام اقامتش در بایر «حدود ۲۰۰ قطعه درباره توپوگرافی این کشور» به دست آورد و لوسن و ابایی که مهندس- جغرافیدان بودند به اروپای شمالی اعزام شدند تا تمامی اسناد توپوگرافیکی را که می‌توانستند درباره این کشورها بیابند جمع‌آوری کنند. کننل برتو، «مهندس- جغرافیدانهای نظامی ۱۶۲۴-۱۸۳۱». مطالعات تاریخی. (پاریس ۱۹۰۲) ۱: ۲۴۰ و ۲: ۸۴

۲۱- نگاه کنید فی‌المثل به ژوزف شارل ماری بنتابول، رساله نظامی و آماری بخش کوسوریا که جزء میدان جنگ کوسوریا بوده است... ۲۴ اکتبر ۱۸۰۴. دستنوشته‌های آرشیوهای جنگ ۱۳۶۴ اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن ص ۲-۵

۲۲- رک: ژوزف شارل- ماری بنتابول، رساله آماری، تاریخی و نظامی کانتون فینال برای میدان جنگ شیر انجام شده در فینال روز ۱۵ مه ۱۸۰۷. دستنوشته‌های آرشیوهای جنگ ۱۳۸۳، اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن ص ۴۰

۲۳- این کار تحلیلی برای بهبود کشاورزی در اثر هارتیل کاملاً مسلم است؛ رساله تاریخی- آماری بخش موندووی که جزئی از میدان جنگ موندووی بوده است، ۲۲ ژوئیه ۱۸۰۵. دستنوشته‌های آرشیوهای جنگ ۱۳۶۴، اداره تاریخی ارتش زمینی، ونسن. سند ۲۴.

کرد، سپس با افراد مطلع و خبره مشورت کرد و کار را با نشستن پای صحبت سالخوردگان دنبال کرد. باید از ایجاد جو قدرت و ابراز علاقه شدید احتراز کرد. هرگز نباید از زور یا ترساندن دیگران استفاده کرد. بهتر آن است که مردم را به گفتگویی کشاند که در آن جزئیات مورد نظر با مطالب و موضوعات مورد علاقه آنها درآمیخته باشد.^{۲۴} راه بردن این گفتگو مستلزم استعداد و فراست خاصی است که «دپو» به آن اشاره کرده. باید که مهندس بتواند سرعت نوعی علاقه به عقاید و رسوم محلی از خود بروز دهد. از حافظه ای قوی و ذهنیتی منسجم برخوردار باشد؛ در فراگیری زبانها، لهجه ها و گویشها چیره دست باشد؛ برای آن که با مردان کلیسا در هر نقطه ای بتواند باب مراد و بحث را بگشاید ضروری است که زبان لاتین بداند؛ از شخصیتی والا برخوردار باشد تا در هر محیطی جلب قلوب کند.^{۲۵} اما به محض آن که اطلاعات مورد نیاز به دست آمد باید به بررسی دقیق آنها چه از طریق مواجهه شهود و چه ملاحظات مستقیم پرداخت. اگر کوچکترین تردیدی پیرامون یک نکته مهم وجود داشته باشد باید آن را به دور انداخت. ندانستن همیشه بهتر از اطلاعات غلط است.

گرچه پس از دوره ناپلئون، مهندس-جغرافیدانها به صورتی روزافزون به ابعاد کارتوگرافیک حرفه خود و نیز به جغرافیای طبیعی روی آورده اند، اما روشن است که از ۱۷۹۳ تا حدود ۱۸۰۹ جغرافیای آنها به همان اندازه که طبیعی است انسانی نیز می باشد. حقیقت آن است که آنها برای توصیف حرفه خود بیشتر از واژه توپوگرافی استفاده می کنند تا جغرافی. اما این واژه همان معنایی که امروزه برای ما تداعی می کند را برای آنها ندارد. مهندسیها خود را توپوگراف می شمارند: «چون صفت جغرافیدان به مقام مهندسی اضافه شده، تمامی زمین قلمرو [ما] است...»^{۲۶} آنها مدعی شده اند که دوباره به تاریخ طبیعی و جامعه علاقمند شده اند و می گویند این جغرافیاست که به معرفی و تعیین مکانها محدود

۲۴- آلان، رساله ای پیرامون آگاهیهای نظامی ۵۰۷-۵۰۸.

۲۵- آلان، همان ص ۵۱۰-۵۱۱. مسأله احترام به رسوم و قواعد محلی مسأله ای اساسی است و مقامات فرانسوی تمایلی به دفاع از مهندسانی که در این مورد دچار مشکل شده اند از خود نشان نمی دهد. نامه موریل به شوانی پاریس دوم دسامبر ۱۸۰۵. دستنوشته های آرشیوهای جنگ، ۱۳۶۶. اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن.

۲۶- آموزش شاگردان مهندس-جغرافیدان، بدون تاریخ. دستنوشته های آرشیوهای جنگ ۱۹۷۸ اداره تاریخی ارتش

می شود.^{۲۷} به عقیده آنها اگر توپوگرافی بدرستی با آمار تلفیق شود چون رابطی میان جغرافیدانها و زمین عمل خواهد کرد و قادر است زمین شناسی، تجارت و دولت مردان را هدایت کند.^{۲۸} گرچه آنها براحتی میان توپوگرافی و جغرافیا تفاوت می گذارند اما حاضر نیستند توپوگرافی را از هنر مهندسی متمایز بدانند زیرا معتقدند که گرچه سرویسیها نحوه اجرای متفاوت دارند اما مطالعه و اعمال توپوگرافی برای همه مفید است.^{۲۹}

حال یک «توپوگرافی» طبیعی و انسانی را در نظر مجسم کنیم که منطبق با نیازهای جنگ و حکومت غیرنظامی است. یک چنین توپوگرافی به سوی مورفولوژی، جنگلها، باتلاقها، اقلیم و برنقشی که این حقایق (در شرایط مختلف) در زندگی و امور مالی انسانهای ساکن آنها ایفا می کنند متمرکز می شود. و این توپوگرافی است که به تأثیر صنعتی شدن بر چشم انداز و نوع زندگی دهقانها، توجه دارد و در مورد مراکز تجاری و شبکه حمل و نقل و ارتباطات دقت می کند و به اکتشاف ساختارهای اداری و بویژه ساختارهای مالیاتی و سربازگیری برمی خیزد. مطالعه انسانها بویژه به توصیف خاصه های کم و بیش قابل بررسی محدود می شود؛ قد و قامت، اصلیت، بیماریها، عادات و وابستگی به مذهب. تفسیر خصوصیات آنها قابل قبول می نماید اما نباید زیاد بر آن پافشاری کرد.^{۳۰} در این جغرافیا حتی محل کوچکی برای تاریخ (که از مدتها پیش همزاد جغرافیا شده) در نظر گرفته شده؛ مهندسها بر این نکته اشرف دارند که در حال ساختن تاریخند. آنها سؤال زیر را مطرح کرده اند (سؤالی که ابراز عقیده ناپلئون در مورد تاریخ را تداعی می کند): اگر قائل بر این باشیم که توپوگرافی بر جغرافیای حجره نشینان ترجیح دارد، تاریخ میدانی از تاریخ مورخان حجره نشین برتر نیست؟^{۳۱}

۲۷ - سولاوی، تذکری پیرامون توپوگرافی ۱: ۲۶۶-۲۶۷

۲۸ - رک، دیباچه. «مموریال توپوگرافیک و نظامی» شماره ۳. که در ماه نیووز سال یازدهم (ژانویه ۱۸۰۳) منتشر

شده ۱: ۲۳۱.

۲۹ - صورت مجلس کنفرانسها «روزنامه مرکز عملیات جنگ» ۲: ۳

۳۰ - ملاحظاتی پیرامون جنگل سیاه و دریای منطقه تیروول «مموریال» ۲: ۱۹۳

۳۱ - در هر یک از رسالات توپوگرافیک آنها مقاله ای درباره تاریخ محلی یافت می شود که به اکتشاف تاریخ عناصر محل کنونی که توجه مهندسان را جلب کرده اند پرداخته، و نیز مقاله ای درباره تاریخ نظامی (آن هم محلی). برای مشاهده عدم کفایت تاریخ عالمانه و حجره ای نگاه کنید به: والونگ، دیباچه «مموریال مرکز عملیات جنگ» ۱: ۱۱۳ و لاگاردیولی، یادداشتهایی درباره مورخین ماصلی قدیمی و جدید از دیدگاه نظامی «مموریال» ۱: ۱۶۰-۱۶۱

شکلهای جغرافیای مهندس - جغرافیدانها

مهندس جغرافیدانهای آغاز قرن نوزدهم بویژه به سبب تهیه نقشه های نیکو و در مقیاس بزرگ شهرت دارند: نقشه مصر، ایتالیا، پیه مون، فرانسه، باویر، سوآب، سویس و غیره که غالباً اساس آگاهی های نوین از این نواحی به شمار می روند. علی رغم اهمیت و ارزشی که این نقشه ها دارند، شکلهای دیگر تحقیقات مهندس جغرافیدانها بیشتر در دسترس جغرافیدانهای جدید قرار دارد. یکی از این شکلهای که رساله کارتوگرافیک است از یک سنت جغرافیای عالمانه سرچشمه می گیرد. دیگری یعنی رساله توصیفی دز جریان دوره ای که مورد توجه ماست پدیدار شده است. این رساله تظاهر یک کنجکاوی جدید برای انسان و جامعه را شکل می دهد و مبین اراده ای است نسبتاً تازه برای اداره کردن فضای ملی.^{۳۲}

یکی از دلایل عدم توجه به کارتوگرافی به عنوان منبع و بُعدی از تاریخ تفکر جغرافیایی از ماهیت خود نقشه ناشی می شود. نقشه ترکیبی پیچیده دارد که برای فهم آن باید تا سرچشمه به پیش رفت و به تحلیل دقیقترین زوایای ساختمان آن نشست. اما تنها مورخین [جغرافیا] نیستند که به این محدودیت واقفند. در سال ۱۸۰۳ پاسکال والونک در این باره چنین می نویسد:

«از سویی نقشه ها مثل آثار تاریخی، سیاسی یا اخلاقی نیستند. هرکسی در آگاهیها و دانشی که کسب کرده ترازویی برای ارزیابی حقیقت یا احتمالی بودن وقایع و یا اصولی که در آثار اخیر وجود دارد، در اختیار دارد، اما در خصوص نقشه ها جز از طریق شناخت پایه هایی که در ساختمان آنها به کار رفته، مقایسه آنها با نقشه های بهتر یا بررسی صحت یا سقم آنها در محل، نمی توان پیرامون ارزش آنها قضاوت کرد در میان کسانی که از نقشه ها استفاده می کنند کمتر کسی فرصت یا امکانات لازم برای انجام این بررسیها را در

۳۲. در این خصوص نوع مطلب خیلی به تحقیقات استانداردهای عهد ناپلئون بستگی دارد. ماری نوبل بورگت «کشف رمز فرانسه. آمار استانی در عصر ناپلئون» پاریس: چاپ آرشیوهای معاصر ۱۹۸۸. و در واقع آلان با تجدید چاپ «رساله ای درباره آگاهیهای نظامی» در سال ۱۸۲۷، به مقایسه کوشش آماری مهندسان با اقدامات استانداردها پرداخته است. آلان «رساله ای درباره آگاهیهای نظامی» مموریال ۱: ۵۱۲، پانویشت ۱

اختیار دارد...» ۳۳

رسالات کارتوگرافیک - که مشهورترین آنها رسالات کارتوگرافیک ژان باتیست بورگنیون لانویل است^{۳۴} - نمایشگر کوشی هستند در راستای نقد هرچه آسانتر نقشه ها، تسهیل فهم آنها بدون آن که صدمه ای به بُعد فضایی شان زده شود و داخل کردن آنها در مقوله مباحث معنوی، زمان و زحمتی که تدوین این رسالات طلب می کنند - رسالاتی که بیشتر جنبه معنوی دارند تا فایده ای - موجب شده که به ندرت به پایان رسند و بسیار کم منتشر شوند. با این همه در دوران ناپلئون مهندس - جغرافیدانها جالبترین این رسالات را به رشته تحریر درآورده اند، از جمله رساله ژاکوتن پیرامون نقشه مصر و رساله سولاوی درباره اطلس ناپلئونی.^{۳۵} این گونه [رسالات] ارزش توجه بیشتر را دارند، اما در حال حاضر کافی است بدانیم که از نظر نویسندگان آنها، مقوله نقشه مبحثی است معنوی و مداوم که هرگز به پایان نمی رسد و تصویر نهایی در آن وجود ندارد، همان گونه که حرف آخری در کار نیست.

رساله توصیفی به چه شکلی است؟ علی الاصول رساله ای است کوچک پیرامون جغرافیای طبیعی، انسانی، تاریخی و نظامی ناحیه نقشه برداری شده (عموماً در مقیاس یک کانتون). این کار یک نوآوری انقلابی بوده است. تردیدی نیست که رساله توصیفی ریشه در رساله نظامی که خود در قرن هجدهم شکل گرفته، دارد. اما این رسالات نظامی، نخست به منافع فوری ارتش توجه داشته اند.^{۳۶} آنها در این مرحله نخستین به توصیف پستی و بلندیها، راهها و عناصر دفاعی اکتفا می کرده اند. رسالات توصیفی که بعدها از سوی مهندس - جغرافیدانها تنظیم شده غنای بیشتری دارند. آنها بر تأثیر ملاحظات آماری و تمهای

۳۳ - والونگ، دیباچه «ممویرال توپوگرافیک و نظامی» شماره سوم منتشره در ماه نیوز سال یازدهم (ژانویه ۱۸۰۳)

۲۳۳:۱

۳۴ - فی المثل نگاه کنید: آنویل «رساله ای درباره عصر قدیم و جدید به همراه توصیفی از خلیج عربی یا دریای

سرخ. پاریس. چاپخانه سلطنتی ۱۷۶۶

۳۵ - رک: پیرژاکوتن «رساله ای درباره ساختمان نقشه مصر» توصیف مصر یا مجموعه ملاحظات و تحقیقاتی که در مصر و به هنگام لشکرکشی فرانسه انجام شده است. انا مالدون، ۲، ۱۸۲۲. ۱-۱۱۸. پاریس: چاپخانه سلطنتی ۱۸۱۷-۱۸۲۶. درباره این رساله نگاه کنید به: ۱. گودلوسکا «مطالعه مصر در عهد ناپلئون» سولاوی، «رساله ای درباره کاربرد مواد اولیه در ساختمان اطلس ناپلئونی» ژانویه ۱۸۱۳، دستنوشته های آرشیوهای جنگ ۱۶۲۹، اداره تاریخی ارتش زمینی و ونسن.

۳۶ - نگاه کنید سامسون دو هالوا «بحثی پیرامون وضعیت نهایی برای کمک به توضیح نقشه...» ۲۴ ژوئن ۱۷۰۶.

دستنوشته های آرشیوهای جنگ ۱۴۰۰، اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن.

جغرافیایی که نظریه پردازان زمان ابراز می داشتند، شهادت می دهند.^{۳۷} مهندس-جغرافیدانها به غالب سؤالاتی که برای تنظیم دفتر املاک مطرح می شود پاسخ می دهند اما کنجکاو یهای آنها به برآوردن نیازهایی از این دست خلاصه نمی شود. به این طریق است که آنها به اکتشاف تکنیکهای کشاورزی می پردازند، از راحت یا زحمت ساکنان یادداشت برمی دارند، ماهیت سلسله مراتب اجتماعی را تحلیل می کنند، به اندازه گیری تأثیر فعالیت های دولتی بر تجارت و بر حیات جوامع می پردازند، مشاغل، حرف و استعداد های مردم، غذاهای پایه، شبکه های تجاری، نظام آموزشی و رابطه آن با دولت را شرح می دهند و معضلات اصلی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را نشان می دهند. و آن گاه که به فهم جنبه ای یا بُعدی از زندگی محلی (فی المثل چرا دهقانان یک ناحیه که آب کافی در اختیار دارند معتقدند که آبیاری مزارع آنها را بی ثمر یا بی بار خواهد کرد؟ یا چرا درختان خود را به این یا آن روش هرس می کنند؟ یا چرا در جامعه ای که وجود شیشه بر ضروری است چنین فردی وجود ندارد؟ و جز اینها) توفیق نمی یابند، روشهایی که مناسب پاسخگویی به این سؤالات است ارائه می دهند. با آن که مهندس-جغرافیدانها در خدمت دولت هستند، آماده اند از منافع دهقانان علیه دولت دفاع کنند و یا به دولت بفهمانند محدوده اقتدار مشروع او تا کجاست.^{۳۸}

مهندس-جغرافیدانها بر این نکته اشرف دارند که در رسالات خود راههای نوینی می گشایند و می دانند که رسالات روشی غیر از روش کارتوگرافی ارائه می دهند که محتاج پژوهشهایی است متمایز از تحقیقات لازم برای تهیه یک نقشه. آنها توجه دارند که این رسالات تحلیلی از فضا را که به مراتب فراتر از یک ملاحظه ساده کارتوگرافیک است امکان پذیر می کنند.^{۳۹} این نوآوری که از سوی مورخان تفکر جغرافیایی ندیده گرفته شده به کوشش آنها در جهت بنیانگذاری. بویژه آن چه کالون^{۴۰} (رییس دیوی جنگ در

۳۷- اساساً، اکتشاف روابط موجود میان انسان، طبیعت و جامعه، با هدف اصلی یا ثانوی بهبود جامعه.

۳۸- روشترین نمونه آن را در مارتین «رساله تاریخی-آماری جامعه موندووی، جزیی از میدان جنگ موندووی» بیابید. سوم ترمهیدور سال سیزدهم (۲۲ ژوئیه ۱۸۰۵). دستنوشته های آرشیوهای جنگ. ۱۳۶۴ سند شماره ۲۴. اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن ص ۳۸، ۴۹.

۳۹- آلان، مقاله ای پیرامون آنگاههای نظامی. ممبرال ۱: بخش ۱. توصیفات توپوگرافیک ص ۴۹۸-۵۰۱.

۴۰- کالون (دولوان) نماینده کنوانسیون ملی. «ملاحظاتی درباره کنوانسیون ملی، درباره پروژه برپایی یک مدرسه مرکزی امور عمومی» هفتم واندمر سال سوم در «کنوانسیون ملی» واندمر سال سوم.

سالهای ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۷) آن را «انستیتوی مهندس- جغرافیدانها» نامیده و برداشت دایرةالمعارفی از جغرافیایی انسانی، طبیعی و کاربردی- که سپس برای مدرسه جغرافیدانهای دیوی جنگ به سال ۱۸۰۲ پیشنهاد شده^{۴۱}- بستگی دارد.

در آغاز قرن نوزدهم، نزد مهندس- جغرافیدانها امکان یک جغرافیای جدید وجود داشته، جغرافیایی که قادر بوده فواید و استعدادهای هنوز پراکنده توپوگرافی، جغرافی، آمار و جغرافیای طبیعی را به هم پیوند دهد. چرا و چگونه موفق نشده اند به اصلاح رشته ای که مغشوش بوده نایل آیند؟ چرا جغرافیا که چنین از وعده های مهندس- جغرافیدانها مملو بوده حاشیه نشین باقی مانده است؟ برای این سؤال چندین پاسخ وجود دارد: می توان به وزنه ساختارهای نهادی در پیشرفت تفکر [جغرافیایی] استفاده کرد و یا زمینه سیاسی و اجتماعی نظرات و عقاید و یا خود این عقاید را به میدان کشید. اما آیا سؤال خوب بیان شده؟ آیا مهندس- جغرافیدانها همه امکاناتی را که در آن زمان، جغرافیا به عنوان یکی از علوم اجتماعی در اختیار می گذاشته توسعه نداده اند؟ و آیا ما، ما مورخین جغرافیا نمی توانستیم آن را به رسمیت بشناسیم؟ این احتمال هست که اگر ما می توانستیم به کمک توصیفی به این دوره بنگریم که از توصیف نیمه اول قرن بیستم رشته ما [پیرامون این دوره] کمتر الهام گرفته باشد آیا می توانستیم نزدیکترین پیشگامان خود را نزد این مهندسان بیابیم. و شاید نظرات و مطالعات آنان بیش از آن چه امروزه می پنداریم مؤثر واقع شده باشند.

ژئو بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۱ - رک: نامه ژنرال پاسکال والونگ به مشاور دولتی ژنرال درما، هفدهم دسامبر ۱۸۰۲ و منضم به این نامه یک «برنامه آموزش برای مدرسه جغرافیدانها که پیشنهاد می کنم در مرکز عملیات جنگ برپا شود» وجود دارد. برنامه مرکب از ۵ بخش است: ریاضیات، فیزیک، هنر، نقشه کشی، پراتیک و کلیاتی در باب آگاهیهای فرعی بخشهایی که مستقیماً به رسالات توپوگرافیک مربوط می شوند عبارتند از «فیزیک» و «آگاهیهای فرعی». این بخشها در برنامه آموزش مدرسه مهندس- جغرافیدانها در مرکز عملیات جنگ به سال ۱۸۰۹ نگهداری شده است. دستنوشته های آرشوهای جنگ ۱۹۷۸، اداره تاریخی ارتش زمینی. ونسن.